درنگ

نوشتن برای دختران با پرهیز از شعارزدگی

درنگی به مناسبت روز «دختران فاطمی، نور چشم اهل خانه»

ساجد سنابادی

نخستین روز از دهه کرامت، فراخورد زادروز حضرت معصومه(س)، روز «دختران فاطمی، نور چشم اهل خانه» نام گرفته است. به طبع سرمشق برتر برای دختری که بناست در جامعه ای با اکثریت شیعه پرورش یابد، شخصیت و سیره حضرت فاطمه زهرا(س)، جده اطهر حضرت معصومه(س)، است. اما ادبیات چگونه می تواند این سرمشق را به شکلی مؤثر پیش روی دختران دوستدار ادب بگذارد؟ نگارنده به عنوان کسی که دغدغه ادبیات به ویژه ادبیات خلاقه (شعر و داستان) دارد، بر این باور است که محتوای شایسته در ظرف مناسب است که تأثیر بسزایی گذارد. اگر پرداختن به اخلاق و زندگی و ویژگی های اهل بیت(ع) آن محتوای درخور مدنظر است، ظرف بایسته، شعر و داستانی است که ضمن جذابیت داشتن برای مخاطب، به بهترین گونه شدنی این محتوا را به او عرضه می کند. ایران و ادبیات فارسی با وجود غلبه فرهنگ مردانه بر تاریخ جهان، در مقام مقایسه پیشینه ای کمابیش پذیرفتنی از دید حضور دختران وزنان در عرصه ادب نشانمان می دهد. این پیشینه از رخ نمودن گردآفرید (دختر ایران دوست داستان رستم و سهراب شاهنامه فردوسی) تا رابعه شاعر که خود سرگذشتی داستانی و جذاب دارد و از فخرالدوله (دختر ناصرالدین شاه و کاتب و تصویرگر افسانه امیرارسلان) تا دختران شاعر و داستان نویس روزگار ما را در بر می گیرد. این میان، آسیب هایی ادبیات ما را تهدید می کند که شاید فرق چندانی میان مرد و زن نگذارد. با این حال، در این یادداشت بیشتر به مواردی اشاره خواهم کرد که درنگ در آن می تواند ادبیات خلاقه شایسته تری را به قلم و برای دختران ما محقق سازد. بدیهی است شاعر و نویسنده ای که بنا دارد برای پرورش دختران فاطمی بنویسد، باید در این زمینه دانش و بینشی درخور داشته باشد؛ امری که با غور لازم و کافی در اقیانوس معارف شیعه، به ویژه مباحث مرتبط با آموزش و پرورش دختران از نگاه اهل بیت(ع)، به دست می آید. این مطالعات هوشمندی ویژه می طلبد تا سره از ناسره و روایات و مفاهیم اصل از بدل تمییز داده شود. چه بسا نبود تخصص و شناخت به اندازه، پرورشی وارونه آنچه هدف است، به بار بیاورد. در این باره، مطالعه هدفمند و با برنامه منابع، همراه با بررسی نقدهای مربوط و راهنمایی خواستن از دانشوران معارف شیعی، سودمند خواهد بود. از سوی دیگر، قالب ارائه این محتوا یعنی ظرف شعر و داستان باید جایگاهی شایان داشته باشد. خوشبختانه در سال های گذشته هم منابعی ارزشمند به صورت کتاب و مقاله (اعم از کاغذی و مجازی) در دسترس است و هم آموزش پیشرفت کرده است. خیلی از نویسندگان امروز می توانند در جلسات آموزشی ادبی که در بنیادها و نهادهای خصوصی و دولتی برگزار می شود، برای نمونه مراکز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در شهرها یا کافه کتاب ها، با پرداخت هزینه و گاه رایگان شرکت کنند. همچنین فضای مجازی و مطالب و امکانات فزون از شمار آن (از قبیل کلاس های آنلاین) فرصتی کم مانند در اختیار اهل قلم گذاشته است که پیش از این فراهم نبود. مراجعه به پژوهش ها و نقدهایی که ادبیات داستانی و سروده های گذشته را از لحاظ محتوا و نیز از دید شکل و قالب و ساختار بررسی کرده است، می تواند نویسنده را از تکرار خطاهای گذشتگان بازدارد، اشتباهاتی مانند بی توجهی به جذابیت مورد نیاز آفرینه ادبی برای مخاطب در رقابت با نمونه های خارجی، مستقیم گویی مفاهیم و شعارزدگی که بیش از تأثیرگذاری ممکن است مخاطب را پس بزند و جز این ها. فراموش نکنیم که امروزه مخاطب کودک و نوجوان و حتی جوان در معرض انواع آسیب های اجتماعی از یک سو و محتواهای سرگرم کننده و متنوع اما کم ارزش یا ضدارزش از سوی دیگر است. این مخاطب که در عصر فراوانی و یکه تازی رسانه ها نیز به سر می برد، به سادگی یا بدون گرفتن حالت تدافعی، شعر و داستان ما را نخواهد خواند. سخن آخر اینکه اگرچه مخاطب یادشده یعنی دختران جامعه ما از نصیحت خوششان نمی آید و ما به عنوان شاعر و نویسنده نیز میانه خوبی با پند و اندرزی نداریم که مستقیم به ماداده شود، نصیحتی کنمت بشنو بهانه مگیر: جذاب بنویسیم و عمیق تا تأثیر تربیتی مدنظر را بگذاریم

معماری مشهد در امتداد معماری حرم مطهر باشد

گفت‌وگوی شهرآرا با غلامحسین معماریان، چهره هنر انقلاب اسلامی در حوزه معماری

هنر انقلاب

شکیبا افخمی راد

چندی پیش بود که غلامحسین معماریان، هنرمند شناخته شده کشور، به دلیل حفظ و صیانت از بافت های تاریخی و سنتی ایران و همچنین فعالیت های آموزشی و پژوهشی ارزشمندش در زمینه معماری اصیل و فاخر ایرانی اسلامی به عنوان چهره هنر انقلاب اسلامی در حوزه معماری در سال ۱۴۰۰ معرفی شد؛ هنرمندی که در سال های تدریس در دانشگاه تلاش کرده است تا دانشجویان را با تاریخ و گذشته شان آشنا کند. معماریان وضعیت معماری در زمینه طراحی و معماری را مطلوب نمی داند و آینده خوبی هم برای آن متصور نیست. چون بر این باور است که اتصال ما با گذشته مان قطع شده است. این معمار در گفت وگو با شهرآرا توضیحات بیشتری درباره وضعیت هنر معماری در کشور و روندی که در این سال ها طی کرده است، ارائه می کند که پیش روی شماست.

آینده خوبی در انتظار معماری نیست

غلامحسین معماریان درباره روند استفاده از معماری ایرانی اسلامی در سال های گذشته می گوید: مبانی فکری معماری کشور ما در زمینه طراحی در پیش از انقلاب اسلامی و حتی اکنون از خارج کشور وارد می شود. در واقع دانشجویان و معماران ما چشم انتظار این هستند که اتفاقاتی را که در کشورهای دیگر می افتد، در ایران عملی کنند که مصادیقش در مشهد زیاد است.

او یادآور می شود: مبنای معماری مدرن این است که هیچ چیزی از تاریخ و گذشته در بناها دیده نشود و طراحی ها نو و متفاوت باشد. از همین رو ما این روزها ساختمان هایی با شکل های مختلف می بینیم.

به گفته این معمار، ایده های حاکم بر طراحی در کشور ما همان ایده مدرن است که می گوید متفاوت باشید و مهم نیست از معماری گذشته استفاده کنید یا نه.

معماریان بیان می کند: ما در جامعه معماری این گونه ایم که هرکس کار خودش را می کند. مثلا در مشهد از حرم امام رضا(ع) که پایمان را بیرون می گذاریم، انگار در خیابانی از کشور دیگر قدیم می زنیم که هیچ ارتباطی با معماری حرم ندارد. این قطع شدن اتصالات از پیش از انقلاب اسلامی شروع شده و تا امروز ادامه داشته است. به گفته این معمار، پس از پیروزی انقلاب اسلامی بستر لازم برای بازگشت به معماری گذشته فراهم شده، اما از این فرصت استفاده نشده است.

او که وضعیت خوبی را برای معماری در زمینه طراحی متصور نیست، تأکید می کند: آینده خوب یعنی اتصال طراحی ها به فضای الهی و معنوی. این اتصال هم با حضور مسئولان دل سوز رقم می خورد.

راهی دشوار برای ورود معماران جوان

معماریان با اشاره به سی سال تدریسش در دانشگاه، یادآور می شود: در این سال ها تلاش من بر این بوده است تا دانشجویان را با گذشته شان آشنا کنم که خدا را شکر موفق هم بوده ام. چون می بینم این علاقه مندی در خیلی از جامعه جوان به وجود آمده است که به گذشته شان برگردند؛ هرچند که اثری نمی سازند، ولی به تاریخشان علاقه مند شده اند.

این هنرمند درباره امکان ورود راحت جوان ترها به عرصه معماری می گوید: در بخش طراحی خیلی سخت می توانند وارد شوند. اگر هم وارد عرصه بشوند، مستقل نمی توانند عمل کنند. او با اشاره به مشکلاتی که بر سر راه چاپ کتاب در حوزه معماری وجود دارد نیز بیان می کند: برای ورود به بخش پژوهش هم باید معماران جوان بسیار تلاش کنند، سفر بروند، یادداشت کنند و عکس بگیرند؛ روندی که هزینه بر است. آن ها برای اینکه اثری خلاقانه و متفاوت ارائه کنند، باید دست کم ۱۰ سال در ساختمان های مختلف خاک بخورند.



از معماری گذشته حمایت نمی شود

معماریان همچنین به نبود حامی در کشور اشاره می کند و می گوید: ۲۵۰ هزار نسخه از کتاب تخصصی من فروش رفته، اما در سی سال گذشته نشده است مدیر دولتی بیاید به من بگوید به تو پروژه ای می دهیم یا از تو حمایت می کنیم. فقط یک بار مدیری از آبفا به دفترم آمد و گفت: «شنیده ام درباره معماری آب انبارهای یزد کار کردید، دوست دارم با ما همکاری کنید.» که البته هفت سال است هنوز پروژه ای که با هم کار می کنیم، ناتمام مانده است. به گفته این هنرمند، حمایت از معماری، آن هم معماری گذشته، در کشور ما وجود ندارد.

معماریان با اشاره به انتخاب شدنش به عنوان چهره سال هنر انقلاب اسلامی در بخش معماری، یادآور می شود: اصلا تصورش را نمی کردم که این جایزه را دریافت کنم. از دوستان حوزه هنری انقلاب اسلامی که من و کارم را دیدند، تشکر می کنم.

انقلاب ما انقلاب فرهنگی است

معماریان ضعف کشور را در حوزه فرهنگ و هنر، نداشتن راهبردی فرهنگی در حوزه معماری می داند و می گوید: معمار فرهنگی اجزا را کنار هم می چیند و مشخص می کند که ۱۰ سال دیگر چه خروجی ای می خواهد. ما چنین فردی نداریم و هرکس برای خودش کار می کند.

او تأکید می کند: ما کسی را نداریم که سرمایه ها را بشناسد و براساس آن ها برنامه ریزی کند. اکنون انجام این کار وظیفه حوزه هنری انقلاب اسلامی است. حوزه هنری می تواند در همه زمینه ها معمار خوبی باشد. معماریان حوزه فرهنگ را موضوع اصلی کشور می داند و می گوید: انقلاب ما انقلاب فرهنگی است و زیربنای آن فرهنگ است. پس باید برای این زیربنا طرحی داشته باشیم و آن را در همه شهر پیاده کنیم. این کار هم فقط با شناخت افراد و سرمایه ها میسر است. به گفته او، کسانی که قرار است راهبردهای فرهنگی را در حوزه معماری تعریف کنند از افرادی باشند که بتوانند نقش فعال و موثری در تدوین و برنامه ریزی نقشه راه ایفا کنند.

در نشست نقد و بررسی آثار صبا زرد کانلو، مترجم مشهدی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان بیان شد

زاویه دید رمان نوجوان برای بزرگ سال راهگشاست

کتاب خوان

ورشان بزازان

نخستین نشست از سلسله نشست های نقد و بررسی کتاب در شهر کتاب «بوکتاب» با عنوان «اینجا چراغی روشن است»، با نگاهی به آثار صبا زردکانلو، مترجم مشهدی، برگزار شد. «از سرزمین های انگور»، «یک کودک ربایی»، «داستان ممنوعه» و «درست مثل باران» کتاب هایی در حوزه ادبیات داستانی نوجوان است که زردکانلو آن ها را به فارسی برگردانده است. تجربه تدریس زبان انگلیسی به نوجوانان و رویارویی با دنیای هیجان انگیز، شاداب و جذاب این گروه سنی، نقطه عطفی برای این مترجم جوان بوده است تا برای ترجمه آثار ادبیات نوجوانان ترغیب شود. در ادامه توضیحات زردکانلو درباره ویژگی های ادبیات نوجوان و اینکه چرا این ادبیات داستانی مهم است، پیش روی شماست.

نیاز به منبع الهام برای رویارویی با اتفاق های مهم زندگی

زردکانلو با این باور که آثار ادبیات نوجوان برای بزرگ سالان هم خواندنی و حتی لازم است، در این خصوص توضیح داد: با اینکه مخاطب کتاب هایم نوجوان است، نثر و ادبیات کتاب ها کودکانه نیست و حتی بزرگ سالان هم می توانند از خواندنش لذت ببرند. این تصور درستی نیست که داستان های نوجوان برای بزرگ سال نمی تواند جذاب باشد. در حالی که رمان نوجوان نیز به چالش های انسانی می پردازد که ما بزرگ سالان هم با آن چالش ها روبه رو می شویم. این مترجم همچنین دو تفاوت را برای رمان بزرگ سال و نوجوان برشمرد و ادامه داد: اول اینکه قهرمان داستان های نوجوانان نوجوان است و دوم داستان ها از زاویه دید نوجوان مطرح می شود و این زاویه دید می تواند برای ما بزرگ سالان به عنوان پدر، مادر، معلم و... نیز راهگشا باشد. زیرا نوع نگاه فرزندانمان را به ما نشان می دهد و منجر به تعامل بهتر با این گروه سنی و درنتیجه بالندگی آن ها می شود.

او با اشاره به این مهم که دنیای نوجوانی پیچیده و پرفرازونشیب و پر از چالش است، بیان کرد: نوجوانی زمانی است که کوچک ترین تصمیم زندگی هم برای انسان سرنوشت ساز است.

به گفته زردکانلو، نوجوان احتیاج به منبع الهام دارد، چنان که همه انسان ها تا آخر عمر برای رویارویی با اتفاق های مهم زندگی و یافت راه حل نیاز به منبع الهام دارند. اما نیاز به رهنمون در نوجوانی در بالاترین سطح ممکن است. زمانی که نوجوان با مفاهیم عظیم و گسترده ای روبه روست و گاهی از او انتظار دارند مانند بزرگ ترها رفتار کند و گاهی در تصمیم گیری های مهم اورا سهیم نمی کنند. در این وانفسا وقتی نوجوان در داستان و ادبیات بستر مشترکی با زندگی اش بیابد، احساس می کند دیگر تنها نیست. زردکانلو با بیان اینکه قهرمان های داستان های نوجوان شخصیت هایی زیرک، کنجکاو و تیزبین هستند که در زندگی به دنبال بالندگی و حل مشکلات برآمده اند، درباره اهمیت سبک واقع گرایانه در ادبیات نوجوان گفت: نوجوان ها می توانند از انواع ژانرها سود ببرند و این برایشان مفید است و غایت ادبیات که از پرداختن به هیچ موضوعی دریغ نمی کند نیز کمک به نوجوان برای رشد و دستیابی به هدف هایش در زندگی است، اما به باور من دنیای واقعی آن قدر بالا و پایین و سوژه و هیجان دارد که هرچقدر داستان واقعی بگوییم، باز هم جا برای گفتن وجود دارد. نوجوان به واسطه داستان واقع گرایانه یا رئال با حقایقی روبه رو می شود که در زندگی واقعی با آن ها دست و پنجه نرم می کند؛ مثل مشکلات اقتصادی، جنگ، مهاجرت، تنهایی، از دست دادن، بیماری و... و چه خوب که پیش از آنکه او در واقعیت به چنین حقایقی برخورد، به واسطه داستان تجربه نیابتی کسب کند که می تواند بسیار برای او سودمند باشد.

زردکانلو همچنین به کمبود آثار منتشرشده در حوزه ادبیات نوجوان اشاره کرد و توضیح داد: ما در حوزه تألیف ادبیات نوجوان آثار بسیار اندکی داریم و ورود کتاب های ترجمه باعث شده است تا نیاز به تألیف در حوزه ادبیات داستانی نوجوان بیشتر احساس شود.



شمیم رضوی

برنامه‌های کتابخانه‌های استان برای دهه کرامت اعلام شد

برگزاری ۸ هزار رویداد کتاب محور

هم‌زمان با فرارسیدن دهه کرامت، بیش از ۸ هزار رویداد کتاب محور در کتابخانه های عمومی خراسان رضوی برگزار می شود.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین علی‌اکبر سبزیان، مدیرکل کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی، یکی از دلایل اصلی نامیدن این دهه به نام کرامت را شخصیت سرشار از سخاوت و بزرگواری حضرت امام رضا(ع) و حضرت معصومه(س) دانست و گفت: در نظر داریم تا هم‌زمان با دهه کرامت بیش از ۸ هزار برنامه فرهنگی کتاب محور اعم از مسابقات کتاب‌خوانی، جلسات خوانش کتاب‌های امام‌رضایی، نمایشگاه کتاب «کرامت» با محوریت سیره امام رضا(ع) و حضرت فاطمه معصومه(س)، نشست دختران کتاب خوان، نمایشگاه نقاشی از آثار برگزیده در یازدهمین جشنواره کتاب خوانی رضوی و جلسات جمع خوانی احادیث رضوی را در همه کتابخانه های استان برگزار کنیم.

او همچنین از تشرف گروهی کتابداران به حرم مطهر امام رضا(ع) و امضای میثاق نامه خادمی آن حضرت در کتابخانه های عمومی، راه‌اندازی کاروان «کتاب و کرامت» در مناطق روستایی و حاشیه شهر، نمایشگاه پوستر رضوی با همکاری بنیاد بین المللی امام رضا(ع) در نگارخانه کتابخانه مرکزی امام خمینی(ره) مشهد مقدس، برگزاری محافل ادبی «کریمانه» و برگزاری کارگاه های آشنایی با زیباهایی کلام اهل بیت(ع) خبر داد.

سبزیان بیان کرد: افتتاح کتابخانه سیار «پیک دانایی ۸» شهرستان مشهد، عضویت رایگان و بخشودگی جرائم و تجلیل از نویسندگان خراسانی فعال در حوزه رضوی نیز از فعالیت های دیگر است.

در قاب تلویزیون

نگاهی به مستندی که درباره ملک‌الشعرا بهار از شبکه مستند پخش شد

بهار به روایت بهار



محمد عنبرسوز

شبکه مستند تلویزیون این هفته برگ برنده بزرگی برای مخاطبانش رو کرد که قسمت تازه‌ای از مجموعه اپیزودیک «چونان سرو» بود. قسمت دهم این مجموعه مستند به پرتره زندگی ملک‌الشعرا بهار، شاعر، ادیب، متفکر و سیاست مدار مشهدی، اختصاص داشت و روایتی از ابعاد مختلف ادبی، سیاسی، اجتماعی، فکری و خانوادگی این شخصیت را بر اساس نوشته های خود او و خاطرات کوچک ترین فرزندش، چهرزاد بهار، به قالب مستند ریخته بود. «بهار به روایت چهرزاد» مستندی نیمه بلند با روایتی سرراست و خوش ریتم است که تماشای آن می تواند مخاطب جوان ایرانی را چندگام به درک دقیق تر شخصیت ملک‌الشعرا بهار نزدیک کند. این اثر به کارگردانی عطیه زارع آرندی و تهیه کنندگی مصطفی رزاق کریمی، از چهره های جاافتاده و کاربلد مستندسازی ایران، تولید شده است و از لحاظ مؤلفه های روایی و بصری اثری آماتورگونه یا ضعیف محسوب نمی شود، هرچند که با توجه به موضوع بکر و تیم زبده اش، می توانست ظرفیت های بیشتری را به فعلیت برساند.

معنای ملک‌الشعرابودن

یکی از نکات مهمی که مستند «بهار به روایت چهرزاد»، به دنبال شفاف ساختن آن است، به معنای «ملک الشعرا» بودن و چالش های بهار با حکومت پهلوی مربوط می شود. طراحان این مستند به درستی آگاه بوده اند که صفت «ملک الشعرا» ممکن است برای مخاطب جوان و نوجوان چندان آشنا نباشد یا بد فهمیده شود. بر همین اساس، «بهار به روایت چهرزاد» تعریف روشنی از ملک الشعرای آستان حضرت امام رضا(ع) بودن ارائه می کند و کشمکش های میان بهار با رضاخان را با تأمل بیشتری شرح می دهد. البته مستندساز در این باره یکی دو نقطه ابهام از جمله نوع ورود و خروجش به کابینه قوام را پرداخت نشده باقی می گذارد، اما با تشریح ماجراهای مربوط به تبعید بهار به اصفهان، گوشه‌ای از مناسبات سیاسی او را بازنمایی می کند.

نمایشگاه عکس بهار

نقطه قوت مهم مستند «بهار به روایت چهرزاد» که این اثر را از لحاظ بصری دل‌پذیر می کند، استفاده متنوع آن از تصاویر قدیمی ملک الشعرا بهار است که به نظر می رسد بخشی از آن به لطف همراهی چهرزاد بهار مهیا شده است. این تصاویر متفاوت و کمتر دیده شده، هم‌خوانی درخور توجهی هم با شیوه روایت اثر دارند و مخاطب را برای تصویرسازی خاطرات این چهره برجسته تاریخ ادبیات معاصر ایران یاری می رسانند. علاوه بر این، نمایش عکس ها مانع از خستگی ذهن بیننده می شود و «بهار به روایت چهرزاد» را از تبدیل شدن به مستندی رادیویی خسته کننده مصون نگاه می دارد.

تنوع موضوعی

«بهار به روایت چهرزاد» اثری است که محمدتقی بهار را، نه فقط به عنوان شاعر، بلکه از جهات مختلف و در قامت اندیشمند، ادیب، سیاست مدار و حتی پدر خانواده بررسی می کند و هر مورد را در فصلی جداگانه با روایتی به نسبت تند، اما منسجم، به مخاطبش عرضه می کند. تقسیم بندی درست بخش های این مستند، انسجام روایی و تنظیم خط کلی اثر را تنظیم می کند، هرچند که استفاده از چند مصاحبه شونده دیگر یا حتی رجوع به منابعی غیر از آنچه به عنوان نریشن روی تصاویر قرار گرفته است، می توانست جلوه دوچندانی به تنوع روایی آن ببخشد.

علاوه بر این، محتوای پژوهشی مستند «بهار به روایت چهرزاد» هم دیگر بازوی اجرایی تیم سازنده در ارائه روایتی سرزنده و قابل شنیدن از زندگی ملک الشعرا بهار واقع می شود. این روایت به وضوح از سطح اطلاعات اینترنتی و قابل دسترسی مرسوم فراتر می رود و به ویژه درباره بخش های مرتبط با کودکی و وضعیت خانوادگی بهار به طرح نکات جذابی می پردازد که پیش از این کمتر در رسانه های عمومی شنیده شده اند.